



پیارے عورتوں

شرائط و

سلام



«پیشران» زندگی چیست؟

جلسه هفتم – اول آذر ۱۴۰۰

انسان به هر دلیلی،

از «**بِهشت**» نخستین،

«**إِخْرَاج**» شده است:

فَازِلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ

وَ قُلْنَا: اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (بقره/۳۶)

پس شیطان آن دو را از آن لغزانید و از آنچه در آن بودند آنها را بیرون کرد و ما گفتیم:
حال^۶ که بدخواه یکدیگرید فرود آید و در زمین مستقر شوید و تا مدتی برخوردار شوید.

به بهشت قرب الهی برگردیم.

اکنون در « دنیا » ما با دو گزینه مواجهیم:

تا جهنم به سقوط ادامه دهیم.

« شرط بازگشت چیست؟ »

طبق آیات قرآن

(که إن شاء الله تعالی آنها را بعداً می بینیم،)

تنها «**شرط**» بازگشت به بهشت،

داشتنِ «**قدرتِ پشیران**» است.

« دنیا » دو « مشکل » دارد:

مشکلِ « اول دنیا » اینست که « پر چالش و چسبنده » است:

اعْلَمُوا: **أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا:**

۱- **لَعِبٌ**

۲- **وَلَهُوَ**

۳- **وَزِينَةٌ**

۴- **وَتَفَاخُرٌ...**

۵- **وَتَكَاثُرٌ...** (حدید/۲۰)

پرسش ۱:



مشکل دوم « دنیا » چیست؟

مشکل « دوّم » اینست که:

« هیچیک » از « اَعْمَالِ » انسان،

در « دنیا » به « نَتِیْجَةُ » فوری نمی‌رسد،

و همه چیز در گرو تحمّلِ « زَمَانِ » است.

پس انسان چاره‌ای ندارد جز اینکه:

یا باید به «**وعددهای الهی**»،

«**اعتماد**» کند و تا «**آخرت**»،

«**منتظر**» و «**صبور**» باشد،

یا « وعده‌های شیطان » را « باور »،

و « آزمون الهی » را « انکار » کند،

و « نتیجه » رفتارش و « سعادت » را

با « عجله » در همین « دنیا » بجوید.

پس هر « زینت و تزئین و آرایش و هنری »،

ممکن است انسان را به:

« انتظارِ عقلانی و حق طلبانه » و یا:

« تعجیلِ نفسانی و دنیا طلبانه » بکشاند.

به عبارت دیگر،

هر « **زینت** و **تزئین** و **آرایش** و **هنری** »،

یا انسان را به « **عاجله** » و « **هیجان** » می کشاند،

و یا « **توجّه** » او را به « **آجله** »

و « **استفاده بهتر** » از « **فرصتها** » جلب می کند.

پس زوجها، والدین و اهل مسجد، حوزه، دانشگاه و ...

باید «ظاهر خود» و «محیط کار خود» را

به نحوی «**تزئین**» کنند و «**بیارایند**» که

«**شوق** و **پیشران**» مراجعینشان تقویت شود،

و آنها را از «**بی صبری** و **هیجان**» بازدارد.

چرا در « استخاره »
بشر « عجله » دارد؟

حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه در دعای استخاره می‌فرمایند:

(۵) وَ اَلْهَمَّنَا الْاِنْقِيَادَ لِمَا اُوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ

حَتّٰى لَا نُحِبُّ تَاْخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ

وَّ لَا تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ

وَ لَا نَكْرَهَ مَا اُحْبَبْتَ وَ لَا نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. (صحیفه/۳۳)

و به ما انقیاد در برابر نظرت را الهام نما تا ما تأخیر آنچه را تو در آن تعجیل داری طلب نکنیم و تعجیل آن چه را تو بتأخیر انداخته‌ای نخواهیم و آنچه را می‌پسندی ما مکروه ندانیم و آنچه را نمی‌پسندی نخواهیم.

حضرت امام حسین صلوات الله علیه هم در دعای عرفه می‌فرمایند:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَخْشَاكَ كَانِيْ اَرَاكَ

وَ اَسْعِدْنِيْ بِتَقْوِيْكَ وَ لَا تُشَقِّنِيْ بِمَعْصِيَّتِكَ وَ خِرْ لِيْ فِيْ قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ قَدْرِكَ

حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا اَخَّرْتَ

وَ لَا تَأْخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ

خدایا؛ چنانم کن که از تو بترسم انگار که تو را می‌بینم و با تقوایت مرا سعادت‌مند کن

و برای نافرمانی‌ات بدبختم مکن و در حکم خود برایم خیر بخواه و در تقدیرت برایم برکت قرار ده

تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی میل نکنم ...

پرسش ۲:



این « تعجیل و تأخیر » ما
به خاطر چیست؟

به خاطر اینست که:

به «آزمون الهی»، «توجه» نداریم

و دنبالِ «نتیجه فوری» در دنیا هستیم

و برای «آخرت»، «پیشران» نداریم.

٢- «تقاخر» یعنی:

« تفاخر » یعنی: « **خودستایی** »

اینکه: کفش و انواع پوشیدنی و وسیله نقلیه و گوشی همراه،

« مدرک » و « **توانائی‌ها** » و « **امکانات** » خود را

که همگی « **أمانتهای الهی** » هستند،

با « **احساس خود بزرگ‌بینی** » به « **رخ** » دیگران کشیدن.

پریشی ۳:



« علت اصلی تفاوتها: »

« از خود بیگانگی » و « بی خدائی »،

انسان را با هر توان و امکان و شرائطی،

در « خیالبافی و بحرانِ هویت » گرفتار،

و به « مقایسه » خود با « خلق » می کشاند،

و مثلِ « کوزه خالی »، « پُر صدا » می کند:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا

و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (نساء/۳۶)

و خدا را بندگی کنید و چیزی را با او مؤثر نپندارید و به والدین احسان کنید و درباره خویشاوندان و یتیمان و

مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راهمانده و بردگان خود [نیکی کنید] زیرا خدا خیالباغ متکبر و فخر فروش را دوست ندارد.

پرسش ۴:



اولین قربانی «تفاخر» که بود؟

إبليس، اولین نفری بود که با « مقایسه » و « تفاخر » سقوط کرد:

قال: ما مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتُكَ؟

قال: أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲)

قال: فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا

فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (أعراف/۱۳)

فرمود: چه چیز تو را از اینکه به فرمان من سجده کنی بازداشت؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتشی و او را از گِل آفریدی * فرمود بیرون شو تو را نرسد که در آن تکبر کنی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.

پرسش ۵:



عوارض «تفاخر»:

« تحقیر مردم » و « رفتار تصنعی »:

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان/ ۱۸)

و از مردم رخ برمتاب و با تکبر در زمین راه نرو،

زیرا خدا خودپسند لافزن را دوست ندارد.

احساسِ « تأسّف » و « خوش‌های » ابله‌ها نه (؟؟؟):

و لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید/۲۳)

تا بر آنچه از دستتان رفته غمگین نشوید و برای آنچه به شما داده شده،
شادمانی نکنید زیرا خداوند هیچ خیالبافِ فخرفروشی را دوست ندارد.

پرسش ۶:



دِراهِ «فِرار» از «تفاخر» چیست؟

بهترین راه فرار از بیماری « مقایسه » و « تفاخر »،

تلاش برای « **خودشناسی** » است.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

ما لابن آدم والفخر أوَّلُه نطفه و آخره جفَه

آدمیزاده را با فخر چکار که در آغاز نطفه و در پایان لاشه است (ق/۴۵۴)

پرستی ۷:



۵- «تکثیر» یعنی چه؟

تکاثر یعنی: « **فزون طلبی** »،

و « **پُر توقع** » بودن،

و « **طلب کار** » بودن،

و « **واردات** » بدونِ « **صادرات** »،

« **تکاثر** » یعنی:

« **خواستن** » بیش از:

« ظرفیت، قابلیت، لیاقت، صلاحیت »،

و بیش از « **تلاش** » و « **نیاز** » خود.

پرستی ۸:



عوارض «تکثیر»:

۱- **طغیان:** انسان، ظرفیتی محدود دارد و با احساس استغنا و بی‌نیازی، سر به طغیان برمی‌دارد و در برابر خدا و عقل و دین، گردنفرازی می‌کند.

۲- **تباهی دین:**

هیچ تکاثری، فرصتی برای رعایت قوانین و پرداختن به امور دینی باقی نمی‌گذارد.

۳- **سنگدلی و بی‌خیالی:** ثروتمندان، رحم و مروت را تدریجا زیر پا می‌گذارند،

و دلشان سنگ می‌شود و در برابر گرسنگان و فقراء نمی‌لرزد و بی‌احساس می‌گذرند.

۴- **حسرت و ندامت:** همه ثروت اندوزان، در نهایت پشیمان و حسرت می‌خورند.

۵- **غفلت از یاد خدا:** اموال و فرزندان را هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازد.

۶- **تکبر و غرور:** انسان، را رو در روی خدا قرار می‌دهد: ما غرک بربک الکریم؟

۷- **انحصار طلبی:** اهل تکاثر، همه امتیازها را برای خودشان می‌خواهند.

۸- **حرص و آرز:** « هوسهای مادی و غریزی » انسان، « اشباع ناپذیر » است.

۹- **دوزخ سوزان:** فرجام زشتیها و تخلفاتی که ثروت اندوزان برای خود

پیش می‌فرستند، چیزی جز جهنم خشم خدا نخواهد بود.

دنبالِ « فضل بیشتر » بودن
آیا « تکاثر » نیست؟

قرآن می فرماید:

بعد از « نماز جمعه » هم دنبال « فضل الهی » باشید:

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ

وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه/ ۱۰)

اگر « **فزون طلبی** »،

برای « **وساطت** » باشد، « عبادت » است،

اما اگر « **فزون طلبی** »،

« نعمت را از جریان بیاندازد » بد است.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه،:

« دهها حلقه چاه آب » حفر فرمودند،

و « دهها هزار درخت » کاشتند،

اما همه آنها را « وقف » نمودند.

پریشانی ۹:



« کوثر » یعنی چہ؟

« کوثر » یعنی:

« **پمپاڑ** کننده **فضائل** »

تبدیل کننده « **رحمت** » به « **نعمت** ».

« **جاری** » کننده « **برکت** ».

کوثر یعنی: « **فورانِ پِشران** »،

« **رحمت للعالمین** » بودن،

نهایتِ « **بی توقُّعی** »،

و « **طلبِ کار** » نبودن.

پرسش ۱۰:



علتِ « دنیاگرایی » چیست؟

ابتدا به این « آیات الهی » توجه کنیم:

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ

فَنَذِرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (یونس/۱۱)

و اگر خدا برای مردم به همان شتاب که آنها در کار خیر می‌طلبند در رساندن بلا به آنها شتاب می‌کرد قطعا اجلشان فرا می‌رسید پس آنها را که به دیدار ما امید ندارند در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

وَرَضُوا بِأَلْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (٧)

أُولَئِكَ مَاؤَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (يونس/٨)

آنها که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیا راضی شده و اطمینان یافته‌اند و از آیات ما غافلند، آنها به خاطر عملکردشان، سرانجامشان « آتش » است.

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً (٢١) لِلطَّاغِينَ مَابَأَ (٢٢)

لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَاباً (٢٣) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَاباً (٢٤) إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (٢٥) جَزَاءً وَفَاقًا (٢٦)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَاباً (٢٧)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَاباً (نبا/ ٢٨)

جهنم در کمین است * بازگشتگاه طغیانگران است * ... *

آنها که به « حسابرسی » امید نداشتند * و آیات ما را سخت دروغ می‌شمردند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(بقره/۲۱۸)

آنها که باور کرده و آنها که هجرت کرده و برای خدا جهاد کردند،
آنان^{۶۱} به «رحمتِ خدا» امیدوارند، خداوند آمرزندهٔ مهربان است

پس: تنها « **پیشرانِ** زندگی »،

« **امید** »

و « **باورِ** وعده‌های الهی »

و « **انتظارِ ملاقات** » است.



خدایا؛

ما را از « **لهو** و **لعب** و **تفاخر** و **تکاثر** »

حفظ فرما،

و به اوجِ « **ایمان** و **امید** » برسان،

و زمینه‌سازِ ظهورِ آخرین حجّت قرارمان ده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

